**( 37 )**

**هو الله**

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و از مضمون حزن شدید حاصل گردید زیرا دلالت بر آن مینمود که احزاب الی الآن مانند گرگان درنده بجان یکدیگر افتاده و بخونریزی و نهب و غارت مشغول و مألوفند سبحان الله انسان که باید مصدر سنوحات ‌رحمانیه باشد و سبب الفت و محبت و اتحاد و اتفاق قبائل و شعوب گردد با وجود این بکلی از این فیض موفور منفور و بخصائل و رذائل حیوانات وحشیه افتخار نماید هر که چنگ تیزتر دارد افتخار بیشتر نماید و سبب این نزاع و جدال و مؤسس این حرب و قتال علماء سوءاند که در این ایام دو فرقه شدند فرقه‌ئی دولتیان و فرقه‌ئی دیگر ملتیان و حال اینکه در نص قرآن میفرماید "و ان هذه أمتکم أمة واحدة و أنا ربکم فاتقون فتقطعوا أمرهم بینهم زبرا کل حزب بما لدیهم فرحون" باری ما الحمد لله از این نزاع و جدال بیزاریم و از اختلاف و اجتناب در کنار در حق کل دعا مینمائیم که ای پروردگار این احزاب خونخوار را از درندگی بیزار نما و از خونریزی پشیمان کن آسمانی فرما ربانی کن رحمانی نما تا مانند فرشتگان مظاهر فضائل ‌رحمانیه و مطالع خصائل ربانیه گردند اختلاف بگذارند و ائتلاف بجویند از جدال و قتال برهند و الفت و اتحاد طلبند از ظلمات ضلالت نجات یابند و بنور هدایت کبری روشن گردند ای خداوند این جمع مستمند را خردمند نما و این دیوانه‌ها را هوشمند کن این گرگانرا آهوان بر وحدت نما و این خونخوارانرا خوی فرشتگان بخش ای پروردگار باستعداد و لیاقت معامله مفرما الطاف و عنایت مبذول دار اگر این وحوشرا بحال خویش گذاری ذی روحی از آن اقلیم باقی نماند جمیع راجع بجحیم گردند و بعذاب الیم افتند پس بفضل و موهبت خویش این نادانانرا دانا کن و این جمع پریشانرا در ظل عنایت مجتمع فرما صلح و صلاح بخش و از سیف و سلاح بیزار نما آشتی و دوستی و راستی و حقیقت پرستی عنایت کن توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و قادر و بینا باری جناب خطاط خطای اهل آن دیار بیحساب و بیشمار فی الحقیقه اهل تبریز مستحق این رستخیز بودند زیرا هیکل مبارکرا در آن میدان بر دار زدند و هدف هزار گلوله نمودند این اضطراب و این عذاب و این عقاب از نتائج آن سیئات است حضرت یحیی بن زکریا را یهود سر بریدند بعد از چهل سال خداوند طیطوس رومانیرا بر انگیخت و ارض فلسطین بخون مذبوحان رنگین گردید حال اگر اهل تبریز یکدیگر را خونریز شوند تعجب منمائید این جزای آن اعمال است ولی با وجود این دل و جان از این شورش و هیجان مستغرق بحر احزان و در نهایت تضرع و ابتهال از حضرت یزدان میطلبیم که محض فضل این آتش افروخته را خاموش نماید و این نزاع و قتال را از میان بردارد مجتهد ملحد سمی حسن قتل احبا را مستحسن شمرد و فتوی داد لهذا دولتیان از شآمت آن باین ابتلا افتادند و الا آن منافق جمیع یاران الهی را قتل و غارت مینمود با وجود این فتوی البته انهزام حاصل شود و مغلوبیت رخ دهد و اینکه چند نفر از احبا با وجود اینکه بی‌طرف و باوفا بودند تصادفا شهید شدند نهایت حسرت و حزن حاصل گردید و از پیش مناجاتی در حق دو نفر از ایشان بدرگاه احدیت شد و ارسال گردید حال نیز مناجاتی بجهت جناب آغا علی محمد مرقوم میگردد و ارسال میشود شما باید یاران الهی را در این پریشانی تسلی دهید و بفضل و موهبت الهی نوید بخشید حال این وقائع تمهید سبیل است تا راهها هموار گردد و احزاب متقاتله در قوت و شدت فتور یابند و احبای الهی میدان وسیع حاصل کنند و جولانی بدهند و عوام کالانعام تفهیم شوند و رؤسای ملت علما و مجتهدین را ملاحظه نمایند که چگونه بدخو و جنگجو و هادم بنیان و بیدین و ایمانند محض اوهامی که عزتی یابند یا مسند خویش محافظه کنند فتوی بخون مسلمانان دهند بر فرض که حقیقت این امر در نزد ناس غیر معلوم است با وجود برهان لامع و حجت ساطع چه که اکثر ناس غافل و ذاهلند آیا بیدینی این علما و ظلم و تعدی این سفها و جرأت و جسارت این بلها نیز مجهول با وجود آنکه مانند شمس در قطب سماء واضح و هویدا گردید "فاعتبروا یا أولی الابصار" در قرآن عظیم میفرماید "و ألقینا بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیامة" پس واضح و مشهود شد که این قتال و نزاع و این جنگ و جدال از نتائج غفلت و ضلال است شما جمیع یاران الهی را از قبل من تحیت ابدع ابهی با نهایت اشتیاق ابلاغ دارید هر چند از این وقائع آنان نیز پریشان شدند و بیسر و سامان گشتند و مورد بلایای ناگهان شدند ولی بالنسبه بدیگران فی الجمله راحت و آسایشی دارند و فراغت و گشایشی جمیع این وقوعات مبنی بر حکمتی است و نتائج من بعد ظاهر و آشکار گردد لهذا محزون نباشندمغموم نگردند مأیوس ننشینند بلکه در نهایت فرح و سرور بذکر رب غفور مشغول شوند و بشکرانه موفور پردازند و بقدر امکان هدایت نفوس خواهند و بنشر آثار مأنوس گردند در ایامی که در این سجن اعظم آتش عدوان مشتعل و از هر جهت تضییق حاصل و ستمکاران متعرض و هیئت ظالمه خاسره تفتیش در هر ساعتی بوسیله‌ئی در نهایت ظلم و اعتساف کامل با وجود این الحمد لله ما در نهایت سرور بودیم و غافل از ظلم اهل غرور که الحمد لله در سبیل الهی اسیریم و در محبت حق مستحق اغلال و زنجیر جام بلا سرشار است و مصائب و بلیات شدید و تعرض هر ولید یزید واضح و پدید تا آنکه غمام عدوان زائل و انوار تأیید جمال ابهی ساطع و لائح گردید حال یاران تبریز نیز باید شورانگیز گردند تا جمیع شهادت دهند که این نفوس مقدسه در بلا صفا یابند و از جفا بوفا قیام کنند عذاب الیم آنانرا جنت نعیم است و مصیبت اعظم موهبت رب کریم روز حزن شادمانی کنند و در یوم فلاکت کامرانی فرمایند

الهی الهی هؤلاء عبادک الاصفیاء و احباؤک النجباء و أرقاؤک النقباء قد وقعوا فی أشد مصیبة و بلاء بما وقع الجدال و القتال بین أهل الضلال فاقتتلوا ذئاب کاسرة و وحوش ضاریة و کلاب خاسرة و سفکوا الدماء و هتکوا و فتکوا بعضهم بعضا و ما خافوا الطامة الکبری و ما اجتنبوا الرزیة العظمی لانهم حشرات لا یفلحون و ضاریات لا یعقلون قد اقتتلوا کالوحوش و أصابوا بعضهم برصاص مرشوش و ما تنبهوا ان ذلک عذاب یلقیهم فی الجحیم و یحرمهم من النعیم و یذیقهم العذاب الالیم رب اصلح هؤلاء الخصماء و اسکن طیش هؤلآء الزنماء و اجعلهم یرجعون الی الوداد و ینتهون فی الظلم و الفساد و یخافون یوم التناد

رب رب ان عبدک محمد علی کان منجذبا الی ملکوتک الجلی و مشتعلا بنار محبتک مطلعا بالسر الخفی قد أصابه سهم أهل الضلال و وقع طریحا فی میدان القتال و ما کان له مدخل فی الجدال بل هو بریء من کل نزاع و نزال و لکن عند ما هجم الخیل فی النهار و اللیل و رموا بالرصاص و لات حین مناص عند ذلک وقع عبدک المنیب علی الارض طریحا و قتیل رب اجعله بفضلک من الشهداء و ادخله فی زمرة النقباء و اجعله من أهل الفداء فی سبیلک یا رب الاسماء الحسنی رب انه توجه الی ملکوت رحمانیتک و تمسک بذیل فردانیتک و تمنی الدخول فی جنة احدیتک فارزقه لقائک و أفض علیه نور بهائک انک أنت الرحمن الرحیم انک أنت الفضال الکریم و انک أنت بعبادک لرؤف لطیف (ع ع)